حرف واحد و سبعه احرف در مقدمه تبیان

از تبیان شیخ هم عرض کنم؛ مقدمه تبیان خیلی مهم است. هر چه برگردیم می‌بینیم نکاتی به ذهنمان می‌آید. نمی‌دانم قبلاً گفته ام یا نه. شیخ در مقدمه تبیان گفته اند که بدان نزد امامیه معروف این است که قرآن «نزل علی حرف واحد». دنباال آن فرمودند «لکنهم جوّزوا القرائه بما جاز بین القراء و کرهوا تجری القرائه». بعد فرمودند اهلسنت روایت «نزل القرآن علی سبعه احرف» دارند. و اختالف بزرگی کردند که معنای سبعه احرف در این روایت چیست. چند تا را گفتند. قول طبری و ... را گفتند. بعد از نقل قول طبری، در آخر کار قول ابن قتیبه را گفتند. ابن قتیبه چه گفت؟ در فضای کالسیک خیلی ناقل بود. قول او یک جور غریبی است. ابن جزری هم می‌گوید «کنت استشکل فی هذا الحدیث منذ ثالثین سنه»؛ این حدیث سی سال برای من حل نشده بود. در النشر ببینید. شبیه همین چیزی است که ابن قتیبه می‌گوید. ابوالفضل رازی هم دارد. مختار زرقانی هم درست همین است. درمناهل العرفان زرقانی که متأخر است، ببینید. پنجاه یا شصت سال است که وفات کرده است.

علی ای حال ایشان هم این را قبول کرده است. اما این راه چیست؟ سبعه احرف به چه معنا است؟ سبعه احرف به این معنا نیست که «ملک» و «مالک»، دو حرف باشند. اصالً حرف ابن قتیبه این نیست. او می‌گوید «نزل القرآن علی سبعه احرف». سبعه احرف به چه معنا است؟ یعنی بر هفت وجهی که ممکن است بخوانید. «علی سبعه انواع الاختالف». این حرف ابن قتیبه و بعد از او بود. این خیلی مهم است.

خب الآن من با این حرف ابن قتیبه سؤالی می‌کنم. ابن قتیبه می‌گوید یا اختالف در خط صورت می‌گیرد یادر معنا و.. . مرحوم شیخ عبارت او را آوردند. هم در مقدمه مجمع هست و هم در مقدمه تبیان. سؤال من این است: بنابر این هفت نوعی که ابن قتیبه گفته، تفاوت قرائت قراء سبعه در «مالک» و «ملک» در چیست؟ بنابر مبنای ابن قتیبه این قرائت حرف واحد است یا دو حرف است؟ این سؤال دقیق است. «ملک» و «مالک» که دو تا است! او می‌گوید یکی از انواع قرائت این است که در هیئت تغییری پیدا شود و معنا هم تغییر پیدا کند. این یک نوعش است. «ملک» و «مالک» هم فردی از یک حرف واحد هستند. ببینید چقدر ظریف است! یعنی روی مختار ابن جزری و ابن قتیبه و ابوالفضل رازی و زرقانی، «ملک» و «مالک» که دو تا می‌خوانید نسبت به حدیث سبعه احرف حرف، واحد است. چون این یکی از انواع آن اختالف است.

خب حاال حرف شیخ را در اینجا بیاورید. شیخ در دنباله اش چه فرمودند؟ فرمودند حرف ابن قتیبه اصلح الوجوه است. «هذا الخبر عندنا ». این مهم نبود که بگویند اصلح الوجوه است. مهم تعلیل آن بود. شیخ الطائفه چرا فرمودند که حرف ابن قتیبه اصلح است؟ فرمودند «لما ورد من اهل البیت علیهم‌السلام من تجویز ما اختلف فیه القراء». گفتند چون از اهل البیت علیهم‌السلام قرائت مواردیکه قراء اختالف کرده‌اند، تجویز شده است. حاال حرف شیخ را کنار این سؤال من بگذارید. جناب شیخ الطائفه که می‌گویند چون ائمه اختالف قرائات را تجویز کردند که یکی از آن‌ها «ملک» و «مالک» است، پس «اصلح الوجوه» حرف ابن قتیبه است. خب بنابر نظر شیخ اختالف «ملک» و «مالک» بنابر مبنای اصلح الوجوه چند حرف است؟ یک حرف است. این خیلی عالی است. یک حرف است. پس اینکه گفتند نزل القرآن علی حرف واحد» و بعد هم که

می‌گویند خود ائمه اختلاف القرائات را تجویز کردند و این را برای حرف ابن قتیبه موید می‌گیرند، معلوم می‌شود که نزد شیخ «ملک» و «مالک» منافاتی ندارد که هر دو حرف واحد باشند. چون «ملک» و «مالک» تعدد قرائات است، ولی بر مبنای ابن قتیبه حرف واحد است. اینها نکات خیلی قشنگی است. نمیدانم جلوتر گفته بودم یا نه. اگر گفته ام یادم نیست. الآن عرض میکنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 12:56:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 13:44:52 توسط ... .